



عکس خانمان

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ بررسی ابعاد مختلف لایحه دولت برای «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» که با ۲ فوریت در دستور کار مجلس قرار دارد

علیه فیک‌نیوزها

صفحه ۵

گرسنگی در غزه؛ قتلگاه حقوق بین‌الملل

■ سازوکارهای پاسخگویی
اینکه دولت خطای را بر اساس چه سازوکارهای نظارتی‌ای می‌توان در قبال ارتکاب جرایمی شبیه گرسنگی و محرومیت از دسترسی به غذا پاسخگو کرد، در نظام حقوق بین‌الملل پیش‌بینی شده است و شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند تحریم‌ها یا اقدامات قهری علیه ناقضان اعمال کند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) و سازمان‌های بشردوستانه نظیر برنامه جهانی غذا (WFP) نیز نقش کلیدی در ارسال کمک‌ها دارند. علاوه بر این «دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)» می‌تواند عاملان دادن گرسنگی عمدی را تحت عنوان «جنایت جنگی» یا «جنایت علیه بشریت» یا جرم «سل کشی» محاکمه کند. حق دسترسی به غذا در مخاصمات مسلحانه یک «صل غیرقابل نقض» در حقوق بین‌الملل است و هرگونه اقدام برای محروم کردن غیرنظامیان از غذا، «قض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه» محسوب می‌شود. جامعه بین‌الملل موظف است از این حق حمایت کند و ناقضان را تحت پیگرد قرار دهد. رژیم صهیونیستی با محاصره غذایی غزه مرتکب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت شده است. این اقدامات نه‌تنها نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، بلکه ممکن است در صورت اثبات قصد نابودی فلسطینیان، به‌عنوان نسل کشی نیز مورد بررسی قرار گیرد. جامعه بین‌المللی باید محاصره غزه را بلافاصله لغو، تحریم‌های جدی علیه اسرائیل اعمال و عاملان این جنایات را در دیوان کیفری بین‌المللی با ابتکارانی شبیه ابتکار آفریقای جنوبی محاکمه کند. مشخصا عادی‌سازی این وضعیت در غزه می‌تواند گرسنگی و محرومیت از حق دسترسی به غذا را به عنوان یک ابزار جنگی در دست رژیم تبهکار قرار دهد.

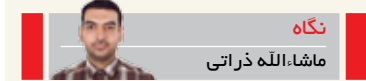
یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام شود، تحت «کنوانسیون نسل کشی ۱۹۴۸» مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال قحطی ایران در دوره جنگ اول جهانی از جمله مصادیق سیاست‌های استعماری انگلستان و در چارچوب نسل کشی مورد توجه بوده است یا قحطی بنگال در ۱۹۴۳ که ناشی از سیاست‌های استعماری انگلیس بود، در همین وضعیت است.
■ گرسنگی و مسؤولیت بین‌المللی رژیم
هم بر اساس حقوق عرفی و هم حقوق قراردادی، گرسنگی عمدی و ایجاد قحطی در حقوق بین‌الملل جنایت محسوب می‌شود و می‌تواند در دادگاه‌های بین‌المللی مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. این موضوع مصادیق تاریخی دارد که نمونه بارز آن محاصره غذایی یمن است که مورد بحث در محافل حقوقی بین‌المللی بوده است. در چارچوب حقوق مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز می‌توان گرسنگی را به عنوان موضوعی که دولت‌ها باید نسبت به آن تعهد اجتناب‌ناپذیری داشته باشند، رسیدگی کرد. دولت‌ها می‌توانند در دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) به دلیل نقض تعهدات بین‌المللی مورد پیگرد قرار گیرند. همچنین افراد (مقامات نظامی یا سیاسی) نیز ممکن است در دیوان کیفری بین‌المللی محاکمه شوند.
دولت‌ها موظفند از گرسنگی غیرنظامیان جلوگیری کنند و اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه را بدهند. در حقوق بین‌الملل حتی گروه‌های شورشی و غیردولتی نیز در صورت کنترل یک منطقه، باید به تعهدات بشردوستانه پایبند باشند. نقض این قواعد می‌تواند منجر به «مسؤولیت بین‌المللی» و پیگرد در «دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)» شود.

دام‌ها و منابع آب» (مانند چاه‌ها و سدها) نقض حقوق بشردوستانه، «محاصره مناطق مسکونی» که منجر به قحطی شود و ممکن است «جنایت جنگی» محسوب شود، «ممانعت از ارسال کمک‌های غذایی» به مناطق تحت محاصره که نقض حقوق بین‌الملل است و موارد دیگر جنایات سه‌گانه می‌شود.
۱- جنایت علیه بشریت
بر اساس ماده ۷ منشور رم دیوان کیفری بین‌المللی، هر اقدام گسترده یا سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی که شامل «محرومیت عمدی از دسترسی به غذا و منابع ضروری برای بقا» باشد، می‌تواند به عنوان جنایت علیه بشریت محسوب شود. برای مثال «محاصره لنینگراد توسط نازی‌ها» در جنگ دوم جهانی یا «سیاست‌های قحطی در اوکراین (هولودومور)» توسط استالین از جمله موارد محرومیت عمدی نسبت به دسترسی به غذا و منابع ضروری بوده است.
۲- جنایت جنگی
طبق «پاراگراف ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه رم» و «کنوانسیون‌های ژنو»، استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح در درگیری‌های مسلحانه ممنوع است. ماده ۵۴ پروتکل اول الحاقی و ماده ۱۴ پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ به کنوانسیون ژنو تصریح می‌کند تخریب منابع غذایی یا محروم کردن غیرنظامیان از مواد غذایی به عنوان روش جنگ، ممنوع است. برای مثال «محاصره شهرها در جنگ سوریه» یا «ممنوعیت ورود کمک‌های غذایی به یمن» از جمله مواردی است که مصداق نقض اساسنامه رم و پروتکل‌های اول و دوم الحاقی بوده است.
۳- جرم نسل کشی
اگر گرسنگی عمدی با قصد نابودی بخشی از

مورد حمایت قرار گرفته است.
■ حمایت از حق دسترسی به غذا در مخاصمات مسلحانه
حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL) به طور خاص در «کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷» از غیرنظامیان در زمان جنگ محافظت و دسترسی به غذا را تضمین می‌کند. کنوانسیون چهارم ژنو (ماده ۲۳ و ۵۵) تصریح می‌کند دولت‌های درگیر باید اجازه عبور آزادانه کمک‌های غذایی برای غیرنظامیان، بویژه کودکان و زنان باردار را بدهند. همچنین پروتکل الحاقی اول (ماده ۵۴) ممنوعیت استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگ و تخریب عمدی منابع غذایی، محصولات کشاورزی و تأسیسات آب‌رسانی را به صراحت مورد بحث قرار داده است. علاوه بر این، پروتکل الحاقی دوم ماده ۱۴ اشاره صریح می‌کند در درگیری‌های غیربین‌المللی، تخریب منابع غذایی غیرنظامیان ممنوع است.
علاوه بر این در حقوق بشر بین‌الملل (IHRL) نیز موضوع حق دسترسی به غذا تصریح شده است. در «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ماده ۱۱، حق دسترسی به غذا به عنوان بخشی از «حق بر حیات و استانداردهای کافی زندگی» به رسمیت شناخته شده است. همچنین «قطعنامه‌های شورای حقوق بشر سازمان ملل» نیز بر لزوم حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات و جلوگیری از محرومیت عمدی از غذا تأکید داشته‌اند.
بنابراین آنچه مشخص است، استفاده از غذا و آب در نظام حقوق بین‌الملل به عنوان سلاح، یا ممنوعیت‌های گسترده‌ای همراه است. این ممنوعیت‌ها شامل ممنوعیت «تخریب عمدی مزارع،

یادداشت
رضا رحمتی
اشغال و محاصره غزه توسط رژیم صهیونیستی و محدودیت‌های شدید دسترسی به غذا، آب و دارو، نمونه‌ای بارز از استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی است که نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر محسوب می‌شود. در روزهای اخیر رژیم صهیونیستی به صورت عمدانه از این شیوه استفاده و افکار عمومی جهان را جریهدار کرده و با واکنش گسترده‌ای در سطح بین‌المللی مواجه شده است.
گرسنگی عمدی و ایجاد قحطی در حقوق بین‌الملل به عنوان «جنایت علیه بشریت» و در برخی موارد «جنایت جنگی» شناخته می‌شود. این اعمال تحت مقررات مختلف بین‌المللی، «حقوق بین‌الملل عرفی» و «حقوق بین‌الملل قراردادی» از جمله «منشور رم دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)» و «کنوانسیون ژنو» قابل پیگرد است. بیشترین موارد منع‌کننده گرسنگی در حقوق قراردادی بین‌الملل به منشور رم (۱۹۴۸) که درباره جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی است و کنوانسیون ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی آن در موضوع ممنوعیت استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح و کنوانسیون نسل کشی (۱۹۴۸) در صورت قصد نابودی یک گروه قومی و... بازمی‌گردد.
حق دسترسی به غذا در مخاصمات مسلحانه به عنوان یک «حق بنیادین بشری» و «اصل اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه» شناخته می‌شود. این حق تحت مقررات متعدد بین‌المللی، از جمله «حقوق بشر» و «حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL)»

معماری آینده جنگ چگونگی تلفیق سامانه‌های مختلف در رزم ترکیبی



در دنیایی که سرعت تغییرات نظامی و فناوری به طرزی شگرف افزایش یافته، مفهوم «رزم ترکیبی» (Combined Arms) بیش از همیشه اهمیت یافته است. بر مبنای این رویکرد، نیروهای مختلف میدان نبرد از پیاده‌نظام و توپخانه گرفته تا زره‌پوش‌ها و جنگ‌افزارهای هوایی به‌گونه‌ای هماهنگ می‌شوند که دشمن را در موقعیتی قرار دهند که پاسخ به یک نوع تهدید او را در برابر نوع دیگری آسیب‌پذیر کند. این ایده در جنگ‌های قرن گذشته، بویژه جنگ اول جهانی شکل گرفت؛ زمانی که فرماندهان دریافتند با ترکیب منسجم آتش توپخانه، یگان‌های پیاده و ابزارهای مکانیزه می‌توانند از بن‌بست‌های تاکتیکی عبور کنند و پیروزی‌های قاطع به دست آورند. با ورود جنگ‌افزارهای هوایی و پشتیبانی هوایی نزدیک، رزم ترکیبی وارد فاز تازه‌ای شد و طی دهه‌های بعد همواره تکامل یافت.

اما آنچه امروز رزم ترکیبی را از گذشته متمایز می‌کند، تحولات عمده در ۴ بعد کلیدی است: سرعت انجام عملیات، برد مؤثر جنگ‌افزارها، توان حسگری و کیفیت آتش. پهپادها و موشک‌های دوربرد امکان حمله در عمق خطوط دشمن را می‌دهد، سامانه‌های الکترواپتیکی و راداری با همکاری هوش مصنوعی دید کامل‌تری از میدان نبرد فراهم می‌کند و مهمات هدایت‌شونده دقتی بی‌سابقه دارد. در چنین شرایطی، دیگر نمی‌توان صرفاً به آتش توپخانه یا حرکت ستون‌های زرهی دل خوش کرد، بلکه باید یک شبکه پویا از جمع‌آوری اطلاعات، تصمیم‌سازی سریع، آتش سنگین و مانور پیوسته را به وجود آورد تا برتری قاطع حاصل شود.

در قلب این معماری جدید، ۲ عامل نقش‌آفرینی می‌کنند: نخست قدرت محاسباتی و هوش مصنوعی است که می‌تواند حجم عظیمی از داده‌های حسگری را در کمترین زمان پردازش کرده و فرماندهان را برای تصمیم‌گیری در سطح تاکتیکی و عملیاتی یاری کند؛ دوم خودمختاری پهپادها و وسایل نقلیه رزمی که پیشرفته‌ترین آنها توان انجام مأموریت‌های شناسایی، سرکوب و حتی حمله انتحاری را بدون دخالت مستقیم انسان دارند. وقتی این ۲ عامل در کنار هم قرار می‌گیرند، رزم ترکیبی نه‌تنها شبکه‌محور، بلکه خودکارمحور می‌شود؛ بدین معنا که سامانه‌ها می‌توانند بر اساس الگوهای از پیش تعریف‌شده و با حداقل مداخله انسانی، وظایف پیچیده را اجرا کنند.

ادامه در صفحه ۲